

تحلیلی بر سیادت صفویان در دوره پیش صفوی «براساس سندی نویافته باستان‌شناسی در مجموعه خانقاهی و آرامگاهی شیخ صفی‌الدین اردبیلی»

حسن یوسفی

دانشجوی دکترای باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

جواد نیستانی

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

jneyestani@modares.ac.ir

سیدمهدی موسوی کوهپیر

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

علیرضا هژبری نوبری

استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۹/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۱۱

(از ص ۱۹۱ تا ۲۰۷)

چکیده

ظهور صفویان در تاریخ ایران از نظر سیاسی و مذهبی جایگاه خاصی دارد. نقش آفرینی صفویان در تاریخ منطقه، نه از زمان تشکیل دولت‌شان در ۹۰۷ هـ.ق. توسط شاه اسماعیل، بلکه از زمان ظهور این سلسله در تاریخ اجتماعی ایران شروع می‌شود. از این عصر، دوره پیش صفوی نامیده‌اند. این دوره گرایش مذهبی و انتساب آن‌ها به نوادگان حضرت رسول اکرم (ص) مورد مجادله صفویه‌پژوهان بوده، به طوری که بحث سیادت این خاندان منجر به طرح فرضیه‌های مختلفی شده است. واکاوی این موضوع با رویکرد مطالعه تطبیقی اسناد تاریخی و یافته‌های باستان‌شناسی، می‌تواند راهگشای پاسخ به ابهامات تاریخی باشد. سنگ فرمان‌ها و حاوی اطلاعات ذی‌قیمتی هستند که از طرف شخصیت‌های سیاسی و مذهبی، تحت عنوان احکام لازم‌الاجرا در بناهای مذهبی و جز آن، جهت اعلان عمومی نصب می‌شده‌اند. پژوهش حاضر، ضمن معرفی سنگ فرمانی نویافته که حاصل تحقیقات نگارندگان در مجموعه شیخ صفی‌الدین است، قصد دارد با نگاهی نسب‌شناختی به تحلیل موضوع سیادت در خاندان صفوی بپردازد. این سنگ فرمان که در دهه‌ی آخر سده ۹ هـ.ق. به دستور تولیت مجموعه سلطان‌علی‌میرزا، فرزند ارشد شیخ حیدر الصفوی صادر شده، درباره‌ی عفو و بخشش مالیاتی بازار برنج اردبیل است. در این فرمان از متولی مجموعه با القابی چون «ولایت سماء» و «سیدالسادات» یاد می‌شود که نشان‌دهنده‌ی وجود سیادت در خاندان صفوی است. این اثر که بهتر است از آن تحت‌عنوان «سنگ سیادت» نام برده‌شود، نه تنها سندی ارزشمند برای اثبات سیادت و رد نظریه مخالفان آن در دوره پیش صفوی است، بلکه بیانگر قدرت تدریجی رو به رشد نوادگان ایشان همزمان با دوره قراقویونلو و آق‌قویونلوها و تکاپوی آن‌ها برای رسیدن به حکومت است. مطالعه حاضر می‌تواند باب جدیدی برای پژوهش در ساختارهای اجتماعی صفویان در تاریخ سیاسی و مذهبی ایران بگشاید.

کلیدواژه‌گان: سیادت صفویان، دوره پیش صفوی، مجموعه خانقاهی و آرامگاهی شیخ صفی‌الدین اردبیلی، سنگ فرمان.

مقدمه

به نظر می‌رسد هنوز مبحث مربوط به تبارشناسی و گرایش مذهبی صفویان به خاطر پیچیدگی موضوع و ملاحظه‌های سیاسی از مباحث جنجالی عصر صفوی است. به بیان روشن‌تر، هرچند به باور برخی از محققان، صفویان، امپراتوری خود را با عنوان سیدها و منسوب به امام موسی الکاظم (علیه‌السلام)، (ف ۱۸۳ هـ.ق.)، امام هفتم شیعیان، آغاز کردند و نسب موسوی معروف که «راجر سیوری» آن را نسب رسمی (موریموتو، ۱۳۹۲: ۲۴۲) نامیده است را، می‌توان در بسیاری از تاریخ‌های نگاشته شده در طول دوره صفوی مشاهده نمود؛ ولی تا به حال، اسناد کتیبه‌ای قطعی و شفاف از دوره پیش صفوی کشف و شناسایی نشده است.

محققان مخالف و موافق مبحث وجود سیادت در خاندان صفوی گمانه زنی‌های زیادی درباره گرایش مذهبی سلسله صفوی به‌عمل آورده‌اند؛ بحث مقاله حاضر، بررسی احتمال وجود سیادت در خاندان صفوی پیش از تشکیل حکومت صفویان است. بنابراین شناسایی اسناد جدید مخصوصاً نسخ خطی، شجره‌نامه، فرامین سنگی و جز آن نه تنها نقش مهمی در روشن ساختن زاویه‌های تاریک تاریخ این سلسله خواهد داشت؛ بلکه موجب بازسازی درست اوضاع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی تاریخ مذهبی آن نیز، خواهد شد.

به بیان روشن‌تر، همان‌گونه که اظهار نظر قطعی درباره‌ی تبارشناسی خاستگاه ایرانی و عربی و ترکی صفویان سخت به نظر می‌رسد، اظهار نظر قطعی درباره سیادت و گرایش مذهبی صفویان نیز، به خاطر کمبود منابع و اسناد تاریخی از مبهم‌ترین و در عین حال از شگفت‌انگیزترین ابعاد مطالعاتی عصر صفوی است.

پرسش تحقیق

سوال‌های مهم تحقیق حاضر، به شرح ذیل است.

- براساس کتیبه نویافته ادعای سیادت در سلسله صفوی از چه زمانی آغاز شده است؟

- کتیبه سیادت به کدام دوره از تاریخ صفوی و شخصیت این سلسله تعلق دارد؟

- چه ارتباطی بین عناوین و القاب صفویان با گرایش مذهبی آن‌ها وجود دارد؟

فرضیات متناظر با سوال‌ها ل فوق عبارتند از:

- بنابر کتیبه پیدا شده در مجموعه شیخ صفی، ادعای سیادت در سلسله صفوی از دهه آخر سده ۹ هـ.ق. قطعی است.

- با مقایسه نوع خط کتیبه و سنجش آن با سنگ‌نبشته‌های دیگر مجموعه شیخ صفی، این فرمان به دستور متولی وقت آرامگاه، سلطان علی میرزا فرزند ارشد شیخ حیدر صفوی و برادر شاه اسماعیل صادر شده است.

- عنوان‌های به‌کار رفته، سید السادات و ولایت سماء در این فرمان، نشان دهنده وجود سیادت در خاندان صفوی و پیوند آن با مذهب تشیع است.

روش تحقیق

این تحقیق با استفاده از پژوهش‌های میدانی (بررسی، شناسایی و مستندنگاری

یافته‌های باستان‌شناسی) و مطالعات تحلیل اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است.

پیشینه‌ی تحقیق

منابع تحقیقاتی موجود درباره سیادت و گرایش مذهبی صفویان به دو گروه عمده دسته‌بندی می‌شود؛ منابع مربوط به سده ۸ هـ.ق. تا پایان دوره قاجار و منابعی که متعلق به تحقیقات گسترده محققان دوره معاصر است. منابع گروه اول، شامل نسخ خطی ارزشمندی چون «صفوه‌الصفاء»، «نزهةالقلوب»، «سلسله‌النسب صفویه»، «روضات‌الجنان» و «جنات‌الجنان»، «تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی»، «مجالس‌المومنین»، «عالم‌آرای امینی» و غیره است. منابع گروه دوم نیز، شامل تحقیقات جدید از جمله کتاب‌های عمده ای مانند: «شیخ صفی و تبارش»، «در باب صفویان»، «دنباله جستجو در تصوف ایران»، «پیدایش دولت صفوی» و مقالاتی چون: «اولین نشان از سیادت صفویان در کتب انساب: مدرکی جدید برای ادعای پیش صفوی سیادت»، «تحلیلی پیرامون مذهب و سیادت شیخ صفی‌الدین اردبیلی: جد بزرگ پادشاهان صفویه»، «سیادت خاندان صفوی» و سرانجام نوشته: «تحلیلی پیرامون مذهب و سیادت شیخ صفی‌الدین اردبیلی، جد بزرگ پادشاهان صفویه» است.

البته محققان بومی نیز، در خصوص آثار تاریخی و فرهنگی شهر اردبیل مخصوصاً مجموعه خانقاهی و آرامگاهی شیخ صفی‌الدین اردبیلی و مسجد جامع عتیق، کتاب‌های خوبی نگاشته‌اند که مهم‌ترین آن‌ها؛ آثار باستانی آذربایجان شرقی تالیف: زنده‌یاد «سید جمال‌الدین ترابی طباطبایی»، کتاب سه جلدی: «اردبیل در گذرگاه تاریخ نوشته بابا صفری» و کتاب دو جلدی: «اردبیل و دانشمندان»، نوشته: «سید فخرالدین موسوی نجفی اردبیلی» است. در آثار این نویسندگان، اشاره‌ای به کتیبه‌ایی که در این مقاله مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته، دیده نمی‌شود. در این نوشته‌ها، هیچ سندی به‌طور مستقل در ارتباط با مذهب و سیادت صفویان ارائه نشده است.

این نکته را نیز، نباید فراموش کرد که درباره گرایش مذهبی صفویان و سیادت آن‌ها دو گروه مخالف و موافق مقابل هم قرار دارد؛ افرادی چون: «احمد کسروی تبریزی»، «ولیدی طغان»، «عبدالحسین زرین کوب»، «یوسف رحیم‌لو»، «هانس ر. رومر»، «مریم میراحمدی»، «بینا مطلق»، «آلوچ، ش. کوین»، «فخرالدین موسوی اردبیلی نجفی»، «غلام سرور»، «والتر هینتس»، «ژان اوبن»، «محمد روشن ضمیر»، «محمد درخشان»، «ع. رستمی»، «راجر سیوری»، «محمد محیط طباطبایی»، «اندرو ج. نیومن»، «ک. موریموتو» از جمله این محققان هستند که آثار تحلیلی خوبی از خود به یادگار گذاشته و ابعاد مختلف تاریخ این دوره را روشن نموده‌اند.

به‌طور کلی پیش‌روان مخالفت وجود سیادت در خاندان صفوی، «کسروی» و «ولیدی طغان(توگان)» هستند که به دنبال جمع‌آوری آراء مخالف ضد صفوی، برای رد وجود سیادت و تشیع صفوی (کسروی، ۱۳۷۹؛ حیدری، ۱۳۸۷؛ سیوری، ۱۳۶۳؛ رویمر، ۱۳۷۰: ۳۴۱-۳۴۰) بودند. «رحیم‌لو»، هم ادعای سیادت صفویان را ادعائی کذب، با اهداف سیاسی نوشته است (رحیم‌لو، ۱۳۷۰: ۲۳۲-۲۱۷). «توگان»، ضمن

۱. این کتاب، در سال ۱۳۸۷ با ویرایش جدید، تحت عنوان: «آثار باستانی اردبیل» به چاپ رسید.

اعتقاد به تبار «کردی» صفویان، معتقد است که در زمان سلطنت شاه اسماعیل بود که اولین بار ادعای دروغین سیادت توسط صفویان مطرح شد، نه همان‌طور که خیلی‌ها معتقدند در زمان سلطنت فرزند وی، یعنی شاه طهماسب حدود ۹۸۴ - ۹۳۰ هـ.ق. (موریموتو، ۱۳۹۰: ۲۶۳-۲۴۱).

البته محققانی چون: «زرین کوب»، «سیوری»، «حیدری» و دیگران، ضمن بررسی بدون غرض و جانب‌دارانه‌ای در گرایش مذهبی صفویان از سیادت آن‌ها دفاع کرده‌اند. زرین کوب، همانند «رویمر»، معتقد بود، «ابن الکربلایی» ضد صفوی بوده است. اولاً، او معتقد بود که «خواجه علی»، نه تنها خودش را شریف علوی می‌نامید؛ بلکه عمدتاً او را به همین نام می‌شناختند. زرین کوب، استفاده از عبارت «العلوی الموسوی» را برای «شیخ ابراهیم» در کتابی که به وی، توسط «عبدالرحیم خلوتی» (ف ۸۵۹ هـ.ق.) اهدا شده بود و «ابن الکربلایی» نیز، به آن اشاره کرده، نقل می‌نماید.

هم‌چنین، قدیمی‌ترین سند خطی مرتبط با نسب رسمی سیادت در مقاله‌ای توسط «کازوئو موریموتو»، محقق ژاپنی در ۱۳۹۰ هـ.ش. ارائه شد. این مطالعه نموداری از شجره‌شناختی که در حدود ۸۶۵ هـ.ق. در عراق (احتمالاً شهر نجف) ترسیم شده است را، نشان می‌دهد. این نمودار، نسب رسمی را به شیوه‌ای واضح ضبط کرده است و هم‌چنین مدرکی ارزشمند برای اثبات گردش نسب رسمی، حدود سه یا چهار دهه قبل از تأسیس سلسله صفویه است (موریموتو، ۱۳۹۰: ۲۶۳ - ۲۴۱).

یادآور می‌شود کتیبه سیادت، در زمان مستندنگاری و سامان‌دهی سنگ مزارات مجموعه خانقاهی و آرامگاهی شیخ صفی‌الدین اردبیلی در نیمه دوم سال ۱۳۸۱ توسط نگارندگان، در تالار دارالحدیث (طاق متولی یا دارالسلام) این مجموعه مذهبی، شناسایی گردید. در مستندنگاری متن کتیبه این اثر تاریخی، عباراتی وجود دارد که در دوره پیش‌صفوی از چالش‌های مطالعات مذهبی عصر صفوی محسوب می‌شود. با توجه به این که هدف نوشتار پیش‌رو، بررسی پیشینه‌ی سیادت در خاندان صفوی قبل از دستیابی آن‌ها به قدرت سیاسی، براساس کتیبه‌ی تازه کشف شده در مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی است؛ در وهله‌ی نخست، به خاطر ارتباط بحث با تبارشناسی صفویان، به این مساله پرداخته می‌شود و در مرحله بعد، سیادت صفویان براساس کتیبه‌ی سنگی نویافته در مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی مورد بازنگری قرار خواهد گرفت.

تبارشناسی صفویان

هرچند، فرضیه‌های مختلفی درباره‌ی تبار شیخ صفی‌الدین اردبیلی ارائه شده و اصل صفویان را به طوایفی از اقوام ایرانی، ترک و عرب انتساب داده‌اند، ولی برخی از مورخان اصل و نسب صفویان را نامعلوم می‌دانند (بوسورث، ۱۳۸۱: ۵۳۱)؛ البته به استناد برخی منابع تاریخی نام تبار شیخ صفی‌الدین اردبیلی تا زمان ظهورشان در تاریخ اردبیل با یمن (ترکمان منشی، ۱۳۵۰: ۱-۱۰؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۱۱-۲۶۰؛ کاظم‌زاده ایرانشهر، ۲۵۳۶: ۸؛ هینتس، ۱۳۶۲: ۱۶۲-۱۶۱؛ ابن‌بزاز اردبیلی، ۱۳۷۳: ۷۲) پیوند می‌خورد. چنان‌چه «راجر سیوری» معتقد است: «منشاء خاندان صفویه هنوز هم در پرده‌ای از ابهام قرار دارد و در مورد مهاجرت ادعایی فیروزشاه از یمن به آذربایجان صحبت کرده و این را نشانه‌ای از منشاء عربی خاندان صفوی به حساب آورده است؛

اما «لون»، ادعا کرده که صفویه ترک بوده‌اند» (سیوری، ۱۳۶۳: ۲). حسب درج مورخان، هم‌زمان با حاکمیت ارسلان شاه سلجوقیان بر ایران، در ۵۶۹ هـ.ق. فیروزشاه زرین کلاه از یمن یا جنوب عربستان (هینتس، ۱۳۶۲: ۲) به‌طرف ایران حرکت نموده، در محلی به نام رنگین در فاصله بین اردبیل و گیلان که دارای مراتع سرسبز بود، مستقر شد (ابن‌بزاز اردبیلی، ۱۳۷۳: ۷۲؛ ترکمان‌منشی، ۱۳۵۰: ۱-۲۷، ۱۰؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۱-۲۶۹) نتیجه‌ی تحقیقات نگارندگان، بیانگر آن است که محل رنگین هونی، واقع در اطراف کوه‌های بغرو طالش قرار دارد و به‌نظر می‌رسد همان محلی است که فیروزشاه زرین کلاه، به‌عنوان اقامت‌گاه موقت خود انتخاب نمود.

مورخان، علت اصلی جابه‌جایی فیروز را نشر و توسعه آموزه‌های اسلام بیان کرده‌اند؛ به‌طوری که «ولیدی طغان» احتمال می‌دهد که اجداد صفویه هنگام فتح مناطق اردبیل، مغان و داربوم در ۴۱۵ هـ.ق. توسط امیر روادی کرد مملان‌بن وهسودان همراه وی بوده‌اند» (سیوری، ۱۳۶۳: ۲)؛ البته شهرهای خراسان بزرگ، یعنی مشهد و هرات (موسوی‌اردبیلی نجفی، ۱۳۴۷: ۲۸۰-۲۷۸) نیز، از جمله مناطقی است که به‌عنوان خاستگاه صفویان قبل از حرکت به سمت آذربایجان و اردبیل مورد توجه مورخان قرار گرفته است؛ فیروزشاه زرین کلاه، از جمله اجداد سلسله صفوی زمانی در مشهدالرضا تولیت و نقابت (سرور، ۱۳۷۴: ۲۳) مزار امام هشتم شیعیان امام رضا (ع) را بر عهده داشت؛ البته نقابت صفوی بر مشهدالرضا، به دوره‌ی قبل از فیروزشاه، یعنی «سید احمدبن محمدالاعرابی» از جمله فرزندان «ابوالقاسم حمزه‌ی بن امام موسی الکاظم» می‌رسد که گفته می‌شود، وی، از اولین نقیبان سادات موسوی مشهدالرضا، جد صفویان بود (طلایی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۱۳).

نام «اسلاف»، سلسله صفوی بعد از خراسان بزرگ، به‌عنوان یکی از مراکز مهم شیعه در عصر خلافت عباسی، با نواحی گیلان (ابن‌بزاز اردبیلی، ۱۳۷۳: ۷۲؛ سیوری، ۱۳۶۳: ۴) و سنجان یا سنجان در کردستان (ابن‌بزاز اردبیلی، همان: ۷۲؛ هینتس، ۱۳۷۳: ۱۶۱؛ پطروشفسکی، ۱۳۵۴: ۳۸۳؛ نشاطی شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۶؛ کسروی، ۱۳۵۲: ۷۹) و سنجان (ریاحی، ۱۳۷۲: ۱۱۶-۱۱۴؛ کسروی، ۱۳۷۹: ۴۸-۴۶) در موصل پیوند می‌خورد. در دوره بعد، «عواض» (عوض/عوض‌الخواص) فرزند فیروزشاه با حرکت از رنگین به‌طرف ناحیه اردبیل، در آبادی به‌نام اسفرنجان (ابن‌بزاز اردبیلی، ۱۳۷۳: ۷۳؛ نشاطی شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۷) سکنی گزید. نوادگان عوض‌الخواص تا زمان رحلت «محمدالحافظ»، فرزند عوض‌الخواص در اسفرنجان اقامت داشتند، تا این که «صلاح‌الدین رشید» (نشاطی شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۷)، فرزند محمدالحافظ بعد از تقسیم تمامی اموال خود، در بین مردم اسفرنجان (عالم آرای صفوی، ۱۳۶۳: ۳۶۹) تصمیم گرفت، به یکی از روستاهای نزدیک اردبیل، به‌نام کلخوران [در شمال شرق اردبیل] مهاجرت کند (ابن‌بزاز اردبیلی، ۱۳۷۳: ۷۳).

به هر حال، «قطب‌الدین احمدبن صالح» با نقل مکان به کلخوران، مقیم دایمی این روستا گردید و تا تبدیل شدن اردبیل به آستانگاه دولت ظاهری (کربلایی تبریزی، ۱۳۴۴: ۲۸۴)، با تکیه بر مسند، ارشاد به دستگیری محتاجان و بنیویان پرداخت (طباطبایی مجد، ۱۳۷۶: ۶۱؛ کاظم‌زاده ایرانشهر، ۲۵۳۶: ۱۱) یادآور می‌گردد، این دوره از تاریخ اردبیل، مقارن با حاکمیت ایلدگزیان (۶۲۲-۵۳۰)

هـ.ق.) بر آذربایجان و چهارمین دوره جنگ‌های صلیبی و هجوم متوالی گرجی‌ها و ارمنی‌های مسیحی به آناتولی شرقی و نواحی جنوبی ارس است. ایلدگزیان، به‌عنوان حاکمان محلی آذربایجان و ماوراء قفقاز شرقی، سخت تحت فشار گرجیان قرار داشتند و نتوانستند از دهه‌های پرتلاطم آغازین قرن ۷ هـ.ق. جان سالم به‌در برند. بدین ترتیب، هرچند اتابکان احمیلی را که از رقیبان آن‌ها بودند، برافکندند؛ ولی در برابر توش و توان فوق‌العاده خوارزمشاهیان، تاب مقاومت نیاوردند و در ۶۳۳ هـ.ق. «جلال‌الدین منکبرتی اوزبک بن جهان پهلوان محمد» را خلع کرد. بدین ترتیب، اهمیت تاریخی این اتابکان، در سلطه‌ی مقتدرانه‌ی آن‌ها در دهه‌های آخر سلطنت سلجوقیان بزرگ، بر بیشتر نواحی شمال‌غربی ایران بود و نیز، نقشی که به‌عنوان قهرمانان عالم اسلام در برابر شاهان باگراتیدی نو برآمده‌ی گرجستان، ایفا نمودند (یوسورث، ۱۳۸۱: ۳۸۵)

با این توضیح، نقش غازی‌گری تبلیغی شیوخ صفوی در آذربایجان و فراسوی رودخانه ارس، نباید نادیده گرفته شود. به‌طوری که این اصالت مهم، منجر به هجوم قوای گرجی به اردبیل شده، هستی مردم به فنا رفت؛ زمانی که «سید قطب‌الدین احمد باقی»، به منصب ارشاد و هدایت مردم رسید، گرجی‌ها برای نشر مسیحیت در آذربایجان و اردبیل به این بخش‌ها هجوم آورده و چندین هزار نفر را شهید کردند (ابن‌بزاز اردبیلی، ۱۳۷۳: ۷۴-۷۳).

به‌عبارتی، سپاهیان گرجی، تحت فرمان ملکه «تامارا/ تمر» (۶۰۹-۵۳۹ هـ.ق.) برای تأدیب شیخ اردبیل که مهاجم شناخته شده بود، از آن گذشتند و شهر را غارت کردند (ابودلف، ۱۳۵۴: ۱۰۵)، مؤلف تاریخ شاه اسماعیل نیز، دلیل تاخت و تازها را، یک یورش انتقامی علیه صالح، فرزند قطب‌الدین احمد می‌داند که توانسته بود بسیاری از مسیحیان را به اسلام درآورد (عالم‌آرای صفوی، ۱۳۶۳: ۷۱۸)

به هر حال، بعد از قطب‌الدین احمد، فرزند او شیخ امین‌الدین جبرائیل (ف ۶۵۶ هـ.ق.) به مقام روحانی جانشینی صفویان رسید و پس از او، شاهد ظهور شیخ صفی‌الدین اردبیلی در سلسله صفوی هستیم. در ۷۰۰ هـ.ق. شیخ صفی‌الدین اردبیلی، طبق وصیت شیخ زاهد گیلانی، اقدام به ساخت و بنیاد خانقاه خود در شهر اردبیل (ابن‌بزاز اردبیلی، ۱۳۷۳: ۹۵۸-۹۵۷، ۶۴۲؛ کاظم‌زاده ایرانشهر، ۲۵۳۶: ۱۷-۱۲؛ هیتس، ۱۳۶۲: ۱۶۲) نمود. با این عمل، اردبیل به «دارالارشاد» تبدیل شده و جایگاه ویژه‌ای در بین شهرهای آذربایجان یافت.

سندی نویافته باستان‌شناسی مبنی بر وجود سیادت در خاندان صفویان متعلق به دوره پیش صفوی

مهم‌ترین منبع برای بررسی سیادت صفویان، کتاب «صفوه‌بالصفا» و نسخه‌های رونوشت آن است که در موزه‌های مختلف داخلی و خارجی نگهداری می‌شود. مطالب مندرج در این کتاب و نسخه‌های رونوشت درباره گرایش مذهبی صفویان، به خاطر عدم شفافیت، موجب نظریات دوگانه و متناقض شده است؛ ضمن آن که تا یکصد سال بعد از تحریر نسخه اصلی صفوه‌بالصفا، هیچ سندی دال بر تأیید سیادت صفویان شناسایی نشده است.

چنان‌چه می‌دانید، «در نسخه‌های موجود صفوه‌بالصفا در آستان قدس رضوی

(استنساخ ۱۰۴۲ هـ.ق.)، موزه بریتانیا، کتابخانه دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تبریز (استنساخ ۱۰۳۵ هـ.ق.) و نیز، نسخه‌ی مربوط به مرحوم نخجوانی، به صراحت از زبان شیخ صفی‌الدین اردبیلی، مذهب وی تشیع اهل بیت رسول خدا (ص) بیان شده، اما در نسخه‌های کتابخانه‌های «شچدرین لنینگراد سالتیکوف» و کتابخانه‌ی «ایاصوفیه» (استنساخ ۸۹۶ هـ.ق.)، از زبان شیخ صفی‌الدین اردبیلی چنین آمده: «ما مذهب صحابه داریم و هر چهار را دوست داریم و هر چهار را دعا کنیم؛ البته از شخص عارفی چون شیخ صفی‌الدین اردبیلی، بعید به نظر می‌رسد، نداند مذاهب چهار صحابه یعنی: ابوبکر، عمر، عثمان و علی (ع) با مذهب تشیع اهل بیت رسول خدا (ص)، باهم جمع شدنی نیست و این مذاهب دو چیز متمایز از هم هستند. بنابراین، ذکر چنین جمله‌ای از شیخ صفی، نمی‌تواند مقرون به حقیقت باشد؛ اگر هم شیخ چنین گفته، احتمالاً به خاطر پوشیده داشتن اعتقاد خود (تقیه) بوده است» (حیدری، ۱۳۸۷: ۱۲۲). «کربلایی تبریزی» (ف ۹۷۷ هـ.ق.) - که خود سنی مذهب و مخالف اخلاف صفی‌الدین اردبیلی است - از قول مرشد خود، «شاه مجتبی»، پسر «امیر بدرالدین لاله»، نقل می‌کند که در زمان صفی‌الدین، نسب سیادت او ظاهر بود؛ اما وی، در اظهار آن اصراری نداشت. وقتی از او، سؤال کردند که مگر شما را از اظهار این نسب خوش نمی‌آید؟ جواب داد: «از روی حزم نفس که ما به کدام عمل شایسته و بایسته، خود را توانیم به این دودمان گرامی نسبت داد» (کربلایی تبریزی، ۱۳۴۴: ۲۲۵-۲۲۳).

نکته‌ای که نباید در تحقیقات مربوط به گرایش مذهبی و تبارشناسی صفویان فراموش شود، مساله تحریف صفوه‌بالصفا نه توسط صفویان، بلکه معاندین این سلسله است. به عبارتی، برخلاف ادعای رایج درباره تحریف صفوه‌بالصفا نوادگان صفوی، توسط خود صفویان، بلکه کسانی است که با این سلسله مخالف بودند. «از جمله، بر ورق یکی از دو نسخه متعلق به دارالعلم شیراز، نوشته‌ای دیده می‌شود که به عموم طالبین و راغبین کتاب، وصیت شده به نسخی که به خط شیخ کاتب اردبیلی نشر شده مراجعه کنند، و والا نسخه‌های دیگر را، معاندین تحریف و تصحیف کرده‌اند» (ابن‌بزاز اردبیلی، ۱۳۷۳: ۲۹).

بنابراین دو بیان و دو تفسیر متمایز منجر به دو رویکرد، حداقل، متناقض و متضاد شده است؛ برخی چون «کربلایی تبریزی»، موافق وجود سیادت در خاندان صفوی (همان: ۲۲۵-۲۲۳) و عده‌ای چون مؤلف کتاب «شیخ صفی و تبارش»، مخالف وجود تشیع و سیادت در صفویان (کسروی، ۱۳۶۲: ۵۶، ۴۵، ۴۰-۳۶) شده‌اند. به هر حال بعید نیست، علت این دوگانگی فرضیه، انعدام و تحریف منابع مربوط به گرایش صفویان، در دوره‌های مختلف تاریخی، عدم دسترسی محققان به برخی منابع معتبر احتمالی، نگاه غرض‌آلود و تعصب‌گونه و عدم انصاف در برداشت‌ها و ... از هر دو طرف باشد. در عصر ما نیز، برخی صاحب‌نظران، دلایل "کسروی و همفکرانش" را، برای تردید در سیادت صفویان کافی و قابل قبول ندانسته و بدین ترتیب بر سیادت صفویان مهر تایید زده‌اند (درخشان، ۱۳۵۳: ۱۶۲-۱۵۳؛ زرین‌کوب، ۱۳۶۲: ۵۹) و طرفدار سیادت و شیعه بودن صفویان هستند؛ «تیمور، در بازگشت از عثمانی و پیروزی بر «ایلدرم بایزید سلطان عثمانی» در ۸۰۶ هـ.ق. در اردبیل توقف و با خواجه علی ملاقات نمود. کرامتی که از وی دیده و مرید او شده است. خواجه علی، از تیمور خواست تا امیران

رومی (آناتولی) را که با خود همراه داشت آزاد کند؛ او نیز آنان را بدو بخشید. خواجه علی، اسیران را آزاد کرد و آن‌ها را نزدیک مزار متبرک «گنجه بکول»، در محله‌ای که به‌نام آنان، به محله رومیان اردبیل معروف شد، سکنی داد و از آن پس، آنان به «صوفیان روملو» معروف شدند» (کاظم‌زاده ایرانشهر، ۱۳۵۶: ۴۸)، نوادگان این صوفیان، در حقیقت به‌عنوان فداییان، در تشکیل دولت صفوی نقش اصلی داشتند. «خواجه عبدالرحیم خلوتی» (ف ۸۵۹ هـ.ق.)، تصنیفی دارد به‌نام «سامی شیخ شاه ابراهیم صفوی» (ف ۸۵۱ ق) که نسب ایشان را، این‌گونه بیان فرموده است: «ابراهیم العلوی الموسوی و هرگاه چنین باشد، دیگر محل سخنی در سیادت صفویه نخواهد بود؛ زیرا که سلطان خواجه علی تا اعتماد نکند، بر نسب خود نمی‌نویسد و آن نسب‌نامه به‌شرح ذیل است: حضرت شیخ صفی‌الدین اسحاق بن سید جبرئیل بن سید صالح بن سید قطب الدین بن سید صلاح الدین رشیدین سید محمد الحافظ بن سید عوض الخواص بن سید فیروزشاه بن سید محمد بن سید شرف‌شاه بن سید محمد بن سید حسن بن سید محمد بن سید ابراهیم بن سید قاسم بن سید ابی‌القاسم حمزه بن الامام امام موسی الکاظم بن الامام جعفر الصادق بن الامام محمد باقر بن الامام علی زین العابدین الامام الحسین الشهید به کربلا سبط رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بن الامام امیرالمومنین علی بن ابی‌طالب علیهم السلام».

«شیخ سلطان خواجه علی را، شاید بتوان به‌دلیل نام او، شیعه دانست؛ اما مشخصاً، به این جهت او را پیرو شیعه می‌دانند که گویند او علی علیه‌السلام را، به خواب‌دیده و در ایاتی ستوده‌است» (رویمر، ۱۳۸۰: ۲۶۶). والتر هینتس نیز، نقش شیعی خواجه علی را پذیرفته است (مزاوی، ۱۳۶۳: ۱۸۰)؛ بنابراین، می‌توان گفت که «آئین باطنی طریقت صفوی در روزگار خواجه علی صبغه شیعیانه به خود گرفت» (بنانی و دیگران، ۱۳۸۰: ۶۷). هرچند شکست نهضت‌های انقلابی، هم‌زمان چون حروفیه و نوربخشیه و سرداران و دیگر جنبش‌ها سبب شد که در این عصر نیز، همانند دوره شیخ صدرالدین موسی، رفتاری محافظه‌کارانه در برابر جریان‌های سیاسی انتخاب کنند.

به نظر محققان، نهضت صفوی در دوره شیخ جنید و شیخ حیدر الصفوی، با رویکرد سیاسی و شیعی، در فکر ایجاد حکومت برآمد؛ به‌طوری که «شیخ حیدر به الغازی» (پارسادوست، ۱۳۷۵: ۱۵۲) معروف گردید. همین فعالیت‌ها که در راستای آرمان‌های مذهبی انجام می‌یافت، سبب شد که وی، از طرف مورخان اهل سنت به الحاد و رفض متهم شود؛ «شیخ دین اباحت را برای ایشان ترویج داده، قواعد شریعت خرمیان بابکی در میان شان نهاد» (خنجی اصفهانی، ۱۳۷۹: ۲۹۴-۲۸۵).

بررسی سنگ فرمان معروف به کتیبه سیادت

کتیبه سیادت که تا دهه‌ی ۱۳۷۰ هـ.ش، در سمت غربی بدنه مناره برجی شکل مسجد جامع عتیق نگه‌داری می‌شد (تصویر ۱)؛ در نیمه‌ی دوم دهه موردنظر، برای حفاظت بهتر و جلوگیری از سرقت، به محوطه شهیدگاه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی منتقل گردید. این اثر، در ۱۳۸۱ هـ.ش. توسط نگارندگان شناسایی و متن آن خوانده شد. این کتیبه به خاطر اهمیت مضمون آن در ۱۳۸۸ هـ.ش. به همراه چند سنگ مزار و سنگ فرمان ارزشمند توسط مدیریت موزه‌های استان و مجموعه

مذهبی شیخ صفی‌الدین اردبیلی، خانم «گلمغانی‌زاده اصل»، به موزه باستان‌شناسی استان انتقال یافت.

کتیبه سنگی سیادت، فارسی-عربی بوده و به‌نظر «صابر صفایی»، خوشنویس معروف معاصر اردبیل، خط آن ثلث ریحانی است. مضمون این کتیبه، به بخشش مالیاتی بازار برنج فروشان اردبیل اشاره دارد. ابعاد سنگ فرمان، $۱۱۷ \times ۴۳ \times ۶$ سانتی‌متر بوده و از جنس رسوبی آهکی سبز تیره است. متن، متشکل از ۱۰ سطر بوده که هم‌اکنون ۸ سطر سنگ نوشته، تقریباً سالم و خوانا است، ادامه متن در سطرهای نه و ده و تاریخ آن، به خاطر فرسودگی بیش از، چند حرف آن مشخص نیست. طول و عرض هر یک از سطرها ۴۳×۱۰ سانتی‌متر بوده که در داخل کادرهای چهارگوش با خطوط نواری ۲ سانتی‌متری از هم متمایز می‌شود (تصویر ۲). مقایسه نوع خط کتیبه‌های سنگی عصر صفوی، مخصوصاً کتیبه سنگی سردر آشپزخانه مجموعه مکشوفه، حاکی از تعلق آنان به دوره شاه عباس کبیر در اردبیل (یوسفی، ۱۳۸۶: ۱۶۹) و اجرای ضعیف آن است.

متن سنگ فرمان، به شرح ذیل است.

سطر اول: از حضرت هدایت سماء، ولایت آثار و کرامت

سطر دوم: پناه، سیدالسادات، منبع زلال

سطر سوم: السعادت ابوالهدایه علی الصفوی

سطر چهارم: خیر ثبات دولت دو جهانی و حصول

سطر پنجم: سعادت جاودانی تمغای برنج بازار

سطر ششم: اردبیل را بخشید امید آن که بواسطه‌ی

سطر هفتم: این انعام حق تعالی ابواب جزیل کرامت دهد

سطر هشتم: [.....] خداوند سوا [.....]

سطر نهم: [.....] اود [] سین

براساس این اثر ارزشمند نویافته و دیگر اسناد تاریخی، دوره پیش‌صفوی راه می‌توان به دو دوره فرهنگی: الف. عصر طریقت؛ از زمان شیخ صفی‌الدین اردبیلی تا اواخر حیات صدرالدین موسی و ب. عصر سیاست و مذهب؛ از زمان خواجه علی تا اوایل بنیاد حکومت صفوی تقسیم نمود. بررسی القاب شیوخ دوره اول، بر عملکرد دینی این دوره دلالت دارد؛ هرچند با دور شدن از این عصر و ظهور خواجه علی، شاهد برنامه‌های سیاسی و مذهبی در دوره دوم هستیم. به بیان روشن‌تر، در دوره دوم در القاب شیوخ و رهبران صفوی که از طرف منابع این دوره‌ها در حق آن‌ها بیان شده، از یک‌طرف، بیان‌گر عملکرد سیاسی شیوخ صفوی و از سوی دیگر، موقعیت معنوی صفویان و گرایش عرفانی و مذهبی آن‌هاست. مثال دوره اول، دقت در القاب شیخ صفی‌الدین اردبیلی و صدرالدین موسی است. جد‌اعلای سلسله صفوی، با عنوان‌های دینی و عارفانه‌ایی چون: سلطان شیخ صفی‌الدین و صفی‌الحق والدین و سلطان‌المشایخ (یوسفی و گلمغانی‌زاده اصل، ۱۳۸۹: ۳۰۶، ۲۶۴، ۲۵۲)، سلطان‌المشایخ و‌المحققین (ابن‌بزاز اردبیلی، نسخه لیدن، برگ ۱۳)، قطب‌العارفین سالک محجه الیقین (کسروی، ۱۳۶۲: ۷۴)، قطب‌العارفین سلطان‌المحققین و صفی‌الحق (یوسفی و گلمغانی‌زاده اصل، ۱۳۸۹: ۲۱۵)، قطب‌العارفین مرشد‌الخالق الی‌الخالیق (افوشه‌ای نطنزی، ۱۳۵۰: ۲۷)، قطب فلک ولایت و مهرسپهر هدایت (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۶۴:

۲۶۶؛ کسروی، ۱۳۶۲: ۷۶) شیخ الاسلام والمسلمین (رشیدالدین فضل الله، ۱۳۶۴: ۳۰۹؛ کسروی، ۱۳۶۲: ۷۵) خلیل عجم (کاظم زاده ایرانشهر، ۲۵۳۶: ۳۸)، قطب آفاق سلطان شیخ صفی الدین اسحاق اردبیلی (شاملو، ۱۳۷۱: ۲۴؛ یوسفی و گلغانی زاده اصل، ۱۳۸۹: ۲۱۰؛ شوشتری، ۱۳۶۵: ۲-۷۸)، وحید آفاق و نادره آفاق (خنجی اصفهانی، نسخه خطی: ۱۳۶ الف و ۱۳۵ ب) خوانده شده است.

«محبی الدین محمد»، فرزند شیخ صفی الدین اردبیلی نیز، در منابع تاریخی و کتیبه مرقدش، با عنوان خواجه «محبی المله یوالدین» نامیده شده است (ابن بزاز اردبیلی، ۱۳۷۳: ۱۱۳۵؛ یوسفی و گلغانی زاده اصل، ۱۳۸۹: ۲۵۰ و ۲۴۴)؛ هم چنین شیخ صدرالدین موسی، فرزند دیگر شیخ صفی الدین با القابی چون: صدردین و صدرالحق (یوسفی و گلغانی زاده اصل، ۱۳۸۹: ۳۰۴)، صدرالمله والدین (خواندمیر، ۱۳۷۰: ۴۶)، درالحق والمله والدین (یوسفی و گلغانی زاده اصل، ۱۳۸۹: ۳۰۷، ۳۰۴)، سلطان المشایخ و العارفین (همان: ۲۵۰)، شیخ الاسلام اعظم (قایم مقامی، ۱۳۴۸: ۱۵-۱۳)، شیخ الاسلام (نخجوانی، ۱۹۷۴: ۲۴۲)، سلطان خواجه صدرالدین موسی (ابن بزاز اردبیلی، ۱۳۷۳: ۱۲۳۸) و حضرت مرشد کاملین و سلطان المحققین قطب الاوتاد (قزوینی، ۱۳۶۳: ۳۸۵)، نامیده شده است.

اما در دوره دوم، شیخوخیت شاهد کاربرد القاب متعدد برای شخصیت های صفوی هستیم. این القاب، هم بر آمیختگی دین و سیاست و هم بر رویکرد سیاسی و نظامی رهبران صفوی دلالت دارد. کاربرد عنوان هایی چون: خواجه، شاه، سلطان، پادشاه، ابوالهدایه، ابوالولایه، الغازی و غیره در پیشوند و پسوند اسامی نوادگان شیخ صفی الدین اردبیلی، بر آرمان های بلند سیاسی صفویان در قالب فعالیت های دینی اشاره دارد. بررسی زندگی رهبران صفوی، از جمله خواجه علی و نوادگان بعد از او، بیان گر عملکرد سیاسی و نظامی صفویان است. چنانچه در عصر خواجه علی، آرام آرام گرایش به جنبه های سیاسی تشیع آشکار شده و خط مشی نهضت سازمان دهی می شود. از این رو، خواجه علی، از دو عنوان اختصاصی عارفانه و مذهبی برخوردار بود؛ از یک طرف او را «به خاطر استفاده از قبای سیاه برای نگه داشتن تعزیت بر امام حسین (ع) سپاهپوش می گفتند» (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۲۴۱؛ منجم یزدی، ۱۳۶۴: ۱۹) و از سوی دیگر، عنوان حضرت سلطان خواجه علی (کاظم زاده ایرانشهر، ۲۵۳۶: ۴۸) را داشت؛ هم چنین روند جذب فدایی رومی، شامی و طالش، در دوره شیخ ابراهیم، فرزند خواجه علی و آمیختگی مذهب و سیاست، تا بدان حد افزایش یافت که این شخصیت را، «شیخ شاه» نامیدند. بنابراین، تأثیر معنوی خواجه علی در اقتدار فرزند و شروع عصر نوینی از تاریخ سیاسی و نظامی نوادگان صفوی و تداوم آن، در دوره های بعد، بر هیچ محقق تاریخ پوشیده نیست.

در دوره شیخ جنید، که هم زمان با نهضت اردبیل است (مزاولی، ۱۳۶۳: ۱۲۶)، خط مشی نظامی گری، کاربردی ترین روش نوادگان صفوی، برای به دست گرفتن قدرت تبدیل گردید. از این رو، شیخ جنید، عنوان «شیخ» را کنار گذاشته، به نام سلطان (بنانی و دیگران، ۱۳۸۰: ۵۰)، به فرمان دهی پرداخت. جنید، اولین کس از دودمان صفویان است که دین و سیاست را در هم آمیخت و هر دو را برای رسیدن به هدف لازم شمرد. جنید، در این راه دشوار که برای اولین بار، در دودمان صفوی انجام می گرفت، با شخصیت نیرومند خود توفیق کامل یافت؛ مریدانش سپاهیان

آماده کارزار شدند و جان باختن در راه پیر، را با شوق قلبی پذیرا شدند (پارسادوست، ۱۳۷۵: ۱۴۲) وی، علاوه بر عنوان سلطان به ابوالهدایه (آرام، ۱۳۸۶: ۲۶۲؛ هینتس، ۱۳۶۲: ۱۲۰) نیز، اشتهار یافت. البته، به نظر می‌رسد از این دوره به بعد، رفته رفته کاربرد «سلطان»، در اول اسامی نوادگانِ سودای تشکیل حکومت صفوی، عمومیت پیدا می‌کند؛ به طوری که بایزید، برادر شیخ جنید و فرزند خواجه شیخ الصفوی، معروف به «شیخ شاه» نیز، در کتیبه سنگ مزارش در آرامگاه محیی‌الدین محمد واژه سلطان (یوسفی و گلمغانی‌زاده اصل، ۱۳۸۹: ۲۵۷)، در اول نام این شخصیت درج می‌شود.

شیخ حیدر الصفوی، نبیره خواجه علی، معروف به «سلطان» نیز، دو عنوان اختصاصی داشت؛ از یک طرف، به سلطان الاولیاء (حسینی جناب‌ذی، ۱۳۷۸: ۲۲۷-۲۲۶) و به خاطر تبلیغات مداوم در آناتولی، به ابوالولایه اشتهار داشت (سومر، ۱۳۷۱: ۱۷) و از سوی دیگر، به علت برنامه‌های جهادی متعددش در قفقاز و آناتولی علیه کفار گرجی‌ها و چرکس‌های مسیحی که کفارشان می‌نامید (ثواقب، ۱۳۸۳: ۱۷۷-۱۷۶)، باید او را «غازی» نامید. وی، اولین شهریار سلسله صفوی که خود را، در سکه‌ها با عنوان «الغازی» (اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۳۹) معرفی کرده است. ضمن آن‌که در ادبیات عرفانی، تخلص خطایی را برای خود برگزیده، در دیوانش خود را غلام حیدر و چاکر قنبر خوانده است. در نوشته‌ای که به خط او در کتابخانه‌ی دانشگاه استانبول موجود است، خود را «اسماعیل بن حیدر الحسینی» می‌خواند و نیز، در نامه‌ای که ظاهراً در ۹۱۵ هـ.ق. به «محمد شاه بخت خان»، معروف به «شییک خان» نوشته، خود را به اشاره از «آل علی» دانسته است (فلسفی، ۱۳۷۵: ۲۰).

با توجه به مطالبی که بیان شد، کتیبه سیادت، از چند منظر مهم به نظر می‌رسد؛ اول این‌که، کتیبه مورد بحث نه یادداشت خصوصی، بلکه فرمانی است که در دوره‌ای از تاریخ صفوی برای بخشش مالیاتی و حمایت از امور اقتصادی بازار برنج فروشان اردبیل صادر شده است. دوم این‌که، وجود برخی عبارات و القاب عارفانه و مذهبی در متن کتیبه نه تنها مکمل تاریخ مذهبی عصر پیش صفوی و اواخر عصر شیخوخیت است، بلکه صدور چنین فرمانی نشانه‌ی آمادگی نوادگان صفوی برای تشکیل قدرت سیاسی است؛ بنابراین با استناد به این سند تاریخی، می‌توان حدس زد صفویان در نیمه دوم سده‌ی ۹ هـ.ق. در شهر اردبیل، به مرحله‌ای از قدرت سیاسی رسیده بودند که در آستانه تصاحب قدرت سیاسی و تشکیل حکومت ملی و مذهبی ایران بودند. به عبارتی، هم‌زمان با تولیت سلطان جنید بر خانقاه اردبیل و مقارن با حکومت جهانشاه قراقویونلو و درهم پاشیدگی تیموریان، زعامت معنوی جنید، نهضت صفویان را به جنبش سیاسی تبدیل نمود (میراحمدی، ۱۳۶۳: ۴۵-۴۴). هر چند حرکت‌های نظامی جنید و شیخ حیدر و سلطان علی، با آگاهی حاکمان وقت در نطفه خفه شد و سلطان علی، در ایجاد حکومت ناکام بود، ولی در کم‌تر از یک دهه بعد از قتل سلطان علی، پادشاه دولت صفوی به دست شاه اسماعیل و فداییان صفوی تاسیس گردید.

اما درباره صاحب کتیبه و تاریخ آن، باید گفت که وجود عبارت: ابوالهدایه (آرام، ۱۳۸۶: ۲۶۲؛ هینتس، ۱۳۶۲: ۱۲۰)، علی الصفوی در کتیبه نویافته، هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارد که این اثر را، به فرزند ارشد شیخ حیدر الصفوی، متعلق بدانیم؛ چراکه

لقب سلطان علی الصفوی نیز، همانند پدر بزرگ خود، شیخ جنید در منابع تاریخی ابوالهدایه (همان) قید شده است.

یادآور می‌شود، در منابع تاریخی، برادر ارشد شاه اسماعیل صفوی، با لقب عرفانی «سلطان العارفین» و «برهان السالکین زبده المشایخ» و «العظام صفوی» (کاظم زاده ایرانشهر، ۲۵۳۶: ۴۵) آمده است که «اندکی بعد از قتل سلطان حیدر در ۸۹۳ هـ.ق، فرزند ارشدش سلطان علی پادشاه، در اردبیل صاحب سجاده ولایت شد» (ترابی طباطبایی، ۱۳۸۷: ۱۶) و در رأس نهضت صفویه قرار گرفت (سیوری، ۱۳۸۰: ۲۹-۲۸)؛ از این رو، «جمعی کثیر از صوفیان جهت ادای تهنیت منصب ولایتعهد و طایفه‌ای برای تحریض بر طلب خون حیدر در اردبیل جمع شدند» (بنانی و دیگران، ۱۳۸۰: ۵۱)؛ به عبارتی دیگر، «برخی تا مناسبت کسب زعامت فرقه‌ی صفویه به او مبارکبادی گویند و گروهی تا وی را به کین خواهی پدر برانگیزند» (سیوری، ۱۳۸۰: ۲۹). بنابر منابع تاریخی، «یعقوب سلطان علی و دیگر اعضای خانواده او را دستگیر کرده و به قلعه اصطخر فارس زندانی کرد» (بنانی و دیگران، همان: ۵۱؛ سرور، ۱۳۷۴: ۳۸) آن‌ها چهار سال و نیم، در زندان فارس تحت نظر قرار داشتند.

«اقتدار سلطان علی بعد از آزادی از زندان نیز، موجب ترس رستم میرزا، برادرزاده‌ی یعقوب آق قویونلو شد» (ترابی طباطبایی، ۱۳۸۷: ۱۶)؛ از این رو، حضور او را در اردبیل برای حکومت آق قویونلوها مناسب ندید. بدین ترتیب با نقشه‌ای سیاسی «سلطان علی از طرف حاکم آق قویونلو مأمور شد، شورش «کوسه حاجی بایندر» را، در مرکز ایران سرکوب کند. سلطان علی، در این کار موفق شده و پیروزمندانه به تبریز بازگشت و از رستم رخصت یافت تا با مادر و برادرانش برای سرگیری فرقه‌ی صفویه و ارشاد دینی صوفیان و مریدان به اردبیل باز شود. زهاد، رفته‌رفته در اردبیل که امکان این بود که از حضور در آن دارالارشاد بهری یابند، گرد آمدند و به زودی شمار صوفیان انجمن کرده و در آن‌جا فراوان شد.

در اواخر ۸۹۹ هـ.ق، رستم میرزا، هم‌چون عموی خویش یعقوب، بیش از این، دریافت که سوادهای سیاسی صوفیان تهدیدی نسبت به موفقیت خود اوست و سلطان علی و برادرانش را دستگیر کرد و برای این‌که آنان را از تماس با پیروانشان محروم کند، به اردوگاه خویش در خوی منتقل ساخت؛ او تصمیم گرفت آن‌ها را به قتل آورد» (سیوری، ۱۳۸۰: ۳۱-۳۰).

اما در خصوص سال نگارش کتیبه، باید گفت که آن، هم‌زمان با تولیت سلطان علی پادشاه بر آستانه شیخ صفی‌الدین اردبیلی صادر شده است. نکته قابل توجه در ارتباط با تاریخ سنگ فرمان، انطباق تاریخ آن با یکی از ۹ نسخه موجود استنساخ شده‌ی صفوه‌بالصفا است که اصل آن در کتابخانه ایاصوفیه ترکیه^۱ (استنساخ ۸۹۶ هـ.ق)، به شماره ۳۰۹۹ و میکروفیلم آن، به شماره ۱۱۱۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نگهداری می‌شود. این نسخه، در ۱۸ جمادی‌الآخر ۸۹۶ هـ.ق، هم‌زمان با حیات سلطان علی پادشاه و قبل از تشکیل دولت صفوی مقارن با کتابت فرمان و کتیبه‌ی سنگی سیادت تحریر شده است.

در میان سنگ مزارات مجموعه مذهبی شیخ صفی‌الدین اردبیلی نیز، نمونه‌هایی وجود دارد که بر سیادت صوفیان در دوره پیش صفوی دلالت دارد؛ سنگ مزار برادر

۱. این نسخه برخلاف ادعای برخی محققان، مطلبی خلاف سیادت شیخ صفی‌الدین اردبیلی ندارد.

ناتنی شاه اسماعیل صفوی، با عبارت سید داودبن شیخ حیدر الصفوی و سنگ مزار دوم سمت چپ آرامگاه محیی‌الدین محمد، متعلق به یکی از نوادگان صفوی عبارت: «الشاب هذه روضه‌الخلاصه اولادالمصطفوی السعید شیخ اویس بن شمس‌الدین بن محمدبن صفوی» (یوسفی و گلمغانی‌زاده اصل، ۱۳۸۹: ۲۵۹-۲۵۸)، درج شده که در اصل، مربوط به نوهی دختری شیخ صفی‌الدین اردبیلی و نوهی پسری شیخ زاهد ابراهیم گیلانی است.

نتیجه‌گیری

مطالعات در خصوص ادعای سیادت پیش‌صفوی، صفویان به‌خاطر کمبود یا نبود منابع معتبر دشوار است. محققان حدس‌های زیادی در این خصوص مطرح کرده‌اند؛ اما هنوز معلوم نیست، سیادت صفویان و نسب رسمی موسوی، در شجره‌نامه آن‌ها از چه زمانی مطرح شده است و پیدایش اسناد نویافته احتمالی درباره‌ی این مساله نظریات جدیدی را در مبحث گرایش مذهبی صفویان باز خواهد گشود.

شهر دارالارشاد اردبیل، به‌عنوان خاستگاه نهضت صفوی در تاریخ سیاسی و فرهنگی ایران اهمیت زیادی داشته و می‌توان اذعان داشت، مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، بزرگ‌خاندان صفوی مهم‌ترین نقش در نهضت صوفیانه شیوخ صفوی دارد. در دوره آق‌قویونلوها، این مکان در شکل‌گیری و رشد و درپی آن، تبدیل شدن نهضت به کارآمدترین جنبش سیاسی و مذهبی ایران و تشکیل حکومت ملی، تأثیر بسزایی داشته و مرکز و اتاق فکر جنبش محسوب می‌شده است؛ از تحقیقات باستان‌شناسی نگارندگان، در مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی کتیبه سنگی شناسایی و مورد مطالعه قرار گرفت که در این پژوهش از آن تحت‌عنوان «سنگ سیادت» نام برده شد. این سنگ فرمان، به دستور متولی وقت مجموعه خانقاهی و آرامگاهی شیخ صفی‌الدین اردبیلی، سلطان علی میرزا، فرزند ارشد شیخ حیدر الصفوی و برادر شاه اسماعیل صفوی، در دهه آخر سده ۹ هـ.ق. صادر شده و مفاد آن درباره‌ی عفو و بخشش مالیاتی بازار برنج اردبیل است.

مطالعه حاضر در باب این سنگ فرمان، از دو حیث مورد توجه قرار گرفت. اولاً، در این سنگ فرمان از متولی مجموعه با القابی چون: «ولایت سماء» و «سیدالسادات» که نشان‌دهنده‌ی وجود سیادت در خاندان صفوی است، نام برده شده است. این مدرک، از جمله اسناد مغفول ارزشمند در تحقیقات تاریخ سیاسی و فرهنگی برای بازنگری گرایش مذهبی صفویان است؛ چرا که کاربرد عبارات مذهبی و عرفانی در القاب صفویان، در دوره پیش‌صفوی ارتباط تنگاتنگی با رویکردشان برای نشر ایدئولوژی براساس شرایط سیاسی حاکم داشته است؛ به‌عبارتی یکی از مشخصه‌های اصلی این اثر، درج نام صاحب کتیبه با القاب عارفانه و مذهبی است. درج چنین عناوین روحانی و گاه سیاسی-نظامی، از مشخصات کتیبه‌های دوره‌های تیموری و صفوی قلمداد می‌شود؛ به عبارتی، هرچند درج القاب صفویان در اسناد و منابع تاریخی نگاه عارفانه و طریقت‌گونه آن‌ها به وظیفه‌ی دینی و عرفانی است، ولی در همین القاب مواردی وجود دارد که حاکی از گرایش مذهبی آن‌هاست.

نکته‌ی مهم دیگر این‌که، موضوع سنگ فرمان، بیان‌گر قدرت تدریجی روبه‌رشد نوادگان صفوی، هم‌زمان با دوره قراقویونلو و حاکمیت آق‌قویونلوها و تکاپوی

آن‌ها برای رسیدن به حکومت است. فراهم شدن فرصت مناسب در اواخر سده‌ی ۹ هـ.ق. برای اسلاف شاه اسماعیل اول جهت اظهار علنی سیادت و حتی آمادگی نوادگان صفوی برای تشکیل حکومتی، براساس آموزه‌های تشیع در اواخر حکومت آق‌قویونلو، از آشفتگی سیاسی در اردوگاه این سلسله حکایت دارد. برخوردهای شتاب‌زده حاکم وقت آق‌قویونلو با نوادگان شیخ حیدر و بازداشت خانگی تمامی اعضای خانواده شیخ صفوی، حتی مادرشان حلیمه بیگم و محبوس شدن آن‌ها در زندان اصطخر فارس یا استوماری در وان، از نشانه‌های زوال حاکمیت آق‌قویونلو است. ضمن آن که عنوان‌های شاه برای شیخ شاه و پادشاه و سلطان برای سلطان علی و عنوان سلطان برای جنید و بایزید برادر جنید و فرزند سلطان خواجه شیخ و صدور فرمانی چون کتیبه سیادت و سفارش سلطان علی به برادرش اسماعیل میرزا، در نبردگاه شام اسبی نزدیک اردبیل، در اواخر ۸۹۹ و اوایل ۹۰۰ هـ.ق. و بخشیدن تاج صوفی خود به اسماعیل میرزا، از نشانه‌های آمادگی نوادگان شیخ صفی‌الدین اردبیلی برای تشکیل حکومت ملی ایران، براساس آموزه‌های شیعی در آینده بود. همان تفکری که نهایتاً توسط شاه اسماعیل صفوی به نتیجه قطعی رسید؛ بنابراین با توجه به نتیجه تحقیق، نظریه مورخانی چون: احمد کسروی و ولیدی طغان مورخ ترک تبار که اعتقاد داشتند در منابع رسمی، شیوخ صفوی قبل از شاه اسماعیل، از عنوان شیخ یا خواجه استفاده می‌کردند و هیچ عنوان افتخارآمیز دیگری که دلالت بر سیادت و نسبت علوی صفویان باشد، وجود نداشته و به اعتقاد «موریموتو»، ادعای سیادت اولین بار، در زمان شاه اسماعیل مطرح شده؛ نمی‌تواند مستند و مقرون به حقیقت باشد. در حالی که کشف کتیبه سیادت در اردبیل و خوانش مضمون آن نشان می‌دهد که کاربرد عنوان‌هایی چون سیدالسادات و ابوالهدایه برای سلطان علی، ضمن آن که دلیل روشنی برای اثبات کاربرد سیادت در خاندان صفوی در دوره پیش‌صفوی در دهه‌ی آخر سده‌ی ۹ هـ.ق. است، بلکه از نشانه‌های نفوذ و اقتدار معنوی سیاسی فرزندان شیخ حیدر برای به‌دست گرفتن حکومت منطقه و شاید تشکیل قدرتی فراتر از مرزهای آذربایجان قبل از ایجاد حکومت صفویان توسط شاه اسماعیل در نیمه‌ی اول سده‌ی ۱۰ هـ.ق. است.

کتابنامه

- آرام، محمد باقر، ۱۳۸۶، اندیشه تاریخ نگاری عصر صفوی، تهران: امیر کبیر.
- ابن اثیر، عزالدین علی، ۱۳۷۱، تاریخ کامل: تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ج ۱۱، ترجمه: ابوالقاسم حالت، تهران: شرکت چاپ و انتشارات علمی.
- ابن بزار اردبیلی، درویش توکلی بن اسمعیل بن الحاج، ۱۳۷۳، صفوه‌یالصفاء، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تبریز: نشر مصحح.
- ابن بزار اردبیلی، درویش توکلی بن اسمعیل بن الحاج، ۱۳۷۳، صفوه‌یالصفاء، نسخه خطی لیدن، نسخه تصویری شماره ۷۰۱۹، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- ابودلف، مسعربن مهلهل خزرچی، ۱۳۵۴، سفرنامه ابودلف در ایران، تعلیقات ولادیمیر مینورسکی، ترجمه: ابوالفضل طباطبایی، تهران: زوار.
- اسماعیلی، صغری، ۱۳۸۵، پژوهشی در سکه‌ها و مهرهای دوره صفوی، تهران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده زبان و گویش.

- افوشه‌ای نطنزی، محمودبن هدایت الله، ۱۳۵۰، نقاوة‌الآثار فی ذکر الاخیار، به اهتمام: احسان اشراقی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- الشیبی، کامل مصطفی، ۱۳۸۵، تشیع و تصوف تا آغاز سده‌ی دوازدهم هـ.ق، ترجمه: علیرضا ذکاوتی فراگزلو، تهران: امیرکبیر.
- براون، ادوارد، ۱۳۷۵، تاریخ ادبیات ایران: از صفویه تا عصر حاضر، ج ۴، ترجمه: رشید یاسمی، تهران: انتشارات مروارید.
- بنائی، امین و دارلی، دران و دوبروین و سیوری، راجر و لکه‌هارت، لارنس و نیومن و ولش، آنتونی کری، ۱۳۸۰، صفویان، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: انتشارات مولی.
- بوسورث، کلیفوردو ادموند، ۱۳۷۱، سلسله‌های اسلامی، فریدون بدره‌ای، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
- بنائی، امین و دارلی، دران و دوبروین و سیوری، راجر و لکه‌هارت، لارنس و نیومن و ولش، آنتونی کری، ۱۳۸۱، سلسله‌های اسلامی جدید: راهنمای گاه‌شماری و تبارشناسی، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- ترابی طباطبایی، سید جمال‌الدین، ۱۳۸۷، آثار باستانی استان اردبیل، تبریز: مهد آزادی.
- ترکمان منشی، اسکندربیگ، ۱۳۵۰، تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۱، تصحیح: ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- پارسادوست، منوچهر، ۱۳۷۵، شاه اسماعیل اول، پادشاهی با اثرهای دیرپای در ایران و ایرانی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- پطروشفسکی، ایلیاپاولویچ، ۱۳۵۴، اسلام در ایران؛ از هجرت تا پایان قرن ۹ هجری، ترجمه: کریم کشاورز، تهران: پیام.
- ثواقب، جهانبخش، ۱۳۸۳، «تحوالات گرجستان در عصر صفویه»، مجموعه مقالات صفویه در گستره تاریخ ایران زمین، به اهتمام: مقصود علی صادقی، تبریز: دانشگاه تبریز و انتشارات ستوده.
- جامعی، بیوک، ۱۳۷۲، نگاهی به آثار و ابنیه تاریخی اردبیل، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- حسینی جنابدی، میرزابیگ حسن، ۱۳۷۸، روضه الصفویه، به کوشش: غلامرضا مجد طباطبایی، موقوفات: محمود افشار یزدی، تهران: دانشگاه تهران.
- حیدری، اصغر، ۱۳۸۷، «تحلیلی پیرامون مذهب و سیادت شیخ صفی‌الدین اردبیلی جد بزرگ پادشاهان صفویه»: (نقد نظریات احمد کسروی)، تاریخ معاصر ایران، سال ۱۲، ش ۴۶، تابستان.
- خانعلی، حمید، ۱۳۹۲، مطالعه آثار دوره اسلامی شهرستان کوثر استان اردبیل براساس بررسی باستان‌شناختی منطقه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنما: دکتر سید مهدی موسوی کوهپیر، تهران (منتشر نشده).
- خنجی اصفهانی، فضل‌الله بن روزبهان، ۱۳۷۹، تاریخ عالم آرای امینی، به کوشش: مسعود شرقی، تهران: انتشارات خانواده.
- خنجی اصفهانی، فضل‌الله بن روزبهان، ۱۳۷۹، تاریخ عالم آرای امینی، تصویربرداری شده از نسخه‌ی خطی کتابخانه فاتح استانبول، ش ۴۴۳۰.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین الحسینی، ۱۳۵۳، تاریخ حبیب‌السیر فی اخبارافراد البشر، ج ۴، زیر نظر: محمد دبیر سیاقی، تهران: کتاب‌فروشی خیام.

- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین الحسینی، ۱۳۷۰، ایران در روزگار شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی، به کوشش: غلامرضا طباطبایی مجد، مجموعه انتشارات ادبی و تاریخ موقوفات: محمود افشار یزدی، تهران: چاپ اول.
- درخشان، مهدی، ۱۳۵۳، پیرامون کلمه شیخ و سید، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، ش ۴، سال ۲۱.
- رحیم لو، یوسف، ۱۳۷۰، مواردی از دستاویزهای معنوی سیاست صفویان، یادنامه استاد جعفر سلطان‌القرایی، تبریز: دانشگاه تبریز.
- رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۶۴/۱۹۴۵. مکاتبات رشیدی، گردآوری: مولانا محمد ابرقوهی، به اهتمام و تصحیح: محمد شفیق، به اضافه حواشی و فهرست، لاهور: پنجاب، ایجوکیشنل پریس.
- ریاحی، محمد امین، ۱۳۴۹، تاریخ خوی، سرگذشت سه هزار ساله منطقه پرحادثه شمال غرب ایران و روابط سیاسی و تاریخی ایران با اقوام همسایه، تهران: انتشارات توس.
- رویمر، هانس روبرت، ۱۳۸۰، ایران در راه عصر جدید، ترجمه: آذر آهنچی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رویمر، هانس روبرت، ۱۳۷۰، مذهب شیخ صفی‌الدین اردبیلی، ترجمه: کیکاووس جهاننداری، یکی قطره باران: یادنامه عباس زریاب خویی، به اهتمام: احمد تقضلی، تهران: نشر نو.
- زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۶۲، دنباله جستجو در تصوف ایران، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۷۵، روزگاران دیگر (از صفویه تا عصر حاضر)، تهران: انتشارات سخن.
- سرور، غلام، ۱۳۷۴، تاریخ شاه اسماعیل صفوی، ترجمه: محمدباقر آرام و عباسقلی غفاری‌فرد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سومر، فاروق، ۱۳۷۱، نقش ترکان آناتولی در تشکیل و توسعه دولت صفویه، ترجمه احسان اشراقی و محمدتقی امامی، تهران: نشر گستره.
- سیوری، راجر، ۱۳۶۳، ایران عصر صفوی، ترجمه: احمد صبا، تهران: نشر کتاب.
- سیوری، راجر، ۱۳۸۰، در باب صفویان، ترجمه: رمضانعلی روح‌الهی، تهران: نشر مرکز.
- شاملو، ولی قلیبن داودقلی، ۱۳۷۱، قصص الخاقانی، تصحیح و پاورقی: سیدحسن سادات ناصری، تهران: سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شریعتی، علی، ۱۳۷۹، شیعه (مجموعه آثار ش ۷)، تهران: انتشارات الهام.
- شوشتری، نورالله، ۱۳۶۵، مجالس المومنین، ج ۲، تهران: کتاب فروشی اسلامیه.
- طباطبائی مجد، غلامرضا، ۱۳۷۶، درد طلب: احوال و آراء شیخ صفی‌الدین اردبیلی، تبریز: نشر ابو.
- طلایی، زهرا، ۱۳۸۵، دفتر اسناد، جلد‌های دوم و سوم، مشهد: سازمان کتابخانه، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- عالم‌آرای صفوی، ۱۳۶۳، به کوشش: یدالله شکری، تهران: انتشارات اطلاعات.
- فلسفی، نصرالله، ۱۳۷۵، زندگانی شاه عباس اول، ج ۳، تهران: انتشارات علمی.

- قائم مقامی، جهانگیر، ۱۳۴۸، یکصد و پنجاه سند تاریخی از جلایریان تا پهلوی، تهران: ستاد بزرگ ارتشتاران.
- قزوینی، عبدالطیف یحیی، ۱۳۶۳، لب التواریخ، به خط: محمداقصر نیرومند و به سفارش: ضیاءالدین محیط، تهران: انتشارات بنیاد گویا.
- کاظم زاده ایرانشهر، حسین، ۲۵۳۶، پنج اثر ارزنده از انتشارات ایرانشهر: سلسله‌النسب صفویه، تهران: اقبال.
- کربلایی تبریزی، حافظ حسین، ۱۳۴۴، روضات الجنان و جنات الجنان، تصحیح: جعفر سلطان القریایی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کسروی، احمد، ۱۳۶۲، تاریخ پانصد ساله خوزستان، تهران: انتشارات خواجه.
- کسروی، احمد، ۱۳۷۹، شیخ صفی و تبارش، تهران: فردوس.
- کسروی، احمد، ۱۳۵۲، شیخ صفی و تبارش، کاروند کسروی؛ تدوین: یحیی ذکاء، تهران: کتاب‌های جیبی.
- گلمغانی‌زاده اصل، ملکه و یوسفی، حسن، ۱۳۸۴، باستان‌شناسی و تاریخ هنر بقیه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، اردبیل: نیک آموز.
- مزاولی، میشل، ۱۳۶۳، پیدایش دولت صفوی، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: شرکت افست.
- منجم یزدی، ملاجلال‌الدین، ۱۳۶۴، تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال (شامل وقایع دربار شاه عباس صفوی)، به اهتمام: سیف‌الله وحیدنیا، تهران: انتشارات وحید.
- موریموتو، کازوو، ۱۳۹۰، «اولین نشان از سیادت صفویان در کتب انساب، مدرکی جدید برای ادعای پیش صفوی سیادت»، ترجمه: علی خاکپور، پیام بهارستان، ش ۱۱، سال سوم.
- موسوی اردبیلی نجفی، فخرالدین، ۱۳۴۷، تاریخ اردبیل و دانشمندان، ج اول، نجف اشرف: مطبعه الاداب.
- میراحمدی، مریم، ۱۳۶۳، دین و مذهب در عصر صفوی، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
- نخجوانی، محمدبن هندوشاه، ۱۹۷۴، دستورالکاتب فی تعیین المراتب، متن علمی و انتقادی با مقدمه و فهرست‌ها به اهتمام: عبدالکریم علی اوغلی علی‌زاده، ج دوم، مسکو: اداره انتشارات دانش.
- نشاطی شیرازی (نشاطی‌الکاتب)، محمد، ۱۳۸۸، تذکره‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی، ترجمه: داوود بهلولی، قم: نشر ادیان.
- هینتس، والتر، ۱۳۶۲، تشکیل دولت ملی در ایران، ترجمه: کیکاووس جهانگیری، چاپ دوم، تهران: خوارزمی.
- هینتس، والتر، ۱۳۸۹، هنرهای شیعی در مجموعه تاریخی و فرهنگی شیخ صفی‌الدین اردبیلی، اردبیل: موسسه فرهنگی انتشاراتی یاوریان.
- یوسفی، حسن، ۱۳۸۶، «خلاصه گزارش مقدماتی نخستین فصل کاوش در محوطه‌ی تاریخی بقیه شیخ صفی‌الدین اردبیلی»، گزارش‌های باستان‌شناسی، ویژه‌نامه دوره اسلامی: ش ۶، پژوهشکده باستان‌شناسی، سازمان میراث فرهنگی.